

پدران تکنوکراسی ایران

نگاهی به آغاز و انجام «حزب ایران»

سیاوش یاری

سعی می‌کردند در راستای توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برنامه‌هایی ارائه دهند که برخاسته از شرایط خاص جامعه آن روز ایران باشد. از این میان، بنیان‌گذاران حزب ایران ادعا می‌کردند که مستقل هستند و به هیچ نیروی بیرونی وابستگی ندارند.^۱ اما آنچه در عمل رخ داد، نشان می‌دهد که آنان حداقل در دو مقطع از تاریخ به سهو و یا به دلایل دیگر استقلال خود را خدشه‌دار نمودند: یک‌بار در اوایل تاسیس حزب به هنگام روی آوردن به شوروی و یک‌بار نیز در اواسط حیات سیاسی خود که به امریکا روی آوردند. بنیانگذاران و سران حزب ایران همه تحصیل‌کردگان غرب بودند. آنان ابتدا کانون مهندسی ایران را در سال ۱۳۲۱ ش تاسیس کردند^۲ و در برنامه‌ها و شعارهای خود توسعه صنعتی را مقدم بر سایر انواع توسعه اعلام می‌کردند. یکی از مهمترین اقداماتی که این کانون انجام داد، طراحی و سازماندهی بزرگترین اعتصاب مهندسان بود که اندکی پس از تاسیس آن صورت گرفت و این تجربه، پشتوانه و درعین حال نقطه امیدی برای اعضای کانون جهت انجام کارهای بزرگتر و بیشتر گردید. به دنبال همین اعتصاب بود که کانون به فکر شرکت در انتخابات افتاد و توانست چند نماینده نیز به مجلس (مجلس چهاردهم) بفرستد. از این پس بود که آنان به فکر تاسیس حزب افتادند و اهدافی فراتر از خواسته‌های صنفی را مطرح کردند.^۳

پس از تاسیس حزب اراده ملی (به‌عنوان نماینده گرایشهای غرب‌گرایانه) که به دنبال کودتای ۱۲۹۹ ش توسط ضیاء و به کمک وفاداران رضاخان شکل گرفت و نیز تاسیس حزب توده که نماینده گرایشهای مارکسیستی و جنبشهای کارگری بود، اعضای کانون مهندسان، حزب ایران را با شعارهای وطن‌پرستی، آزادی خواهی، ناسیونالیسم، تعدیل ثروت، بسط عدالت و مبارزه با فساد به‌وجود آوردند.^۴ این حزب در اسفند ماه سال ۱۳۲۲ ش تاسیس گردید و اعلام کرد که ثبات و پیشرفت جامعه با تحقق شعار «کار، داد، آزادی» و نیل به سعادت نیز «با فکر ایرانی، به‌دست ایرانی، برای ایرانی» امکان‌پذیر خواهد بود و اعلام کرد که «با جهل اکثریت و فساد اقلیت مبارزه کنید.»^۵

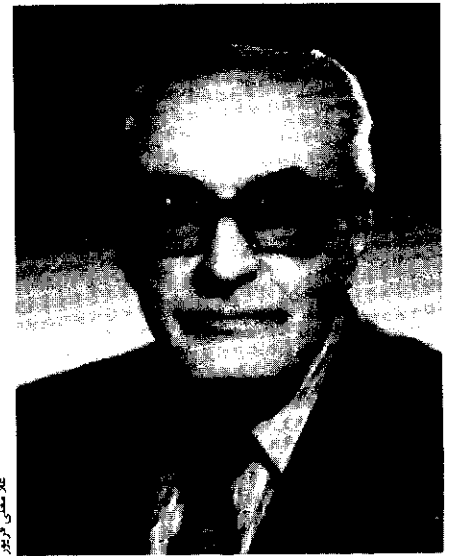
بی‌اعتباری، لکه‌دار شدن و ریزش اعضای مهم آن گردید. تصمیم‌گیری حزب در مورد غائله آذربایجان هم در زمره سیاستهای اشتباه و زوال‌انگیز آن بود اما در عوض نقش اصلی آن در جنبش ملی‌شدن صنعت نفت جبران همه سرشکستگیهای گذشته را نمود. تکنوکرات‌بودن حزب ایران و عضویت بسیاری از مهندسان شرکت نفت در آن، زمینه‌های خوبی برای مبارزه با شرکت نفت ایران و انگلیس بود و نشریات و فعالیتهای این حزب در سراسر ایران نهضت ملی‌شدن صنعت نفت را به‌بهرترین شکلی هدایت و تقویت می‌کرد. این پیروزی بزرگ باعث شد که حزب ایران بعدها نیز حرف اول سیاست را بزند و ستون اصلی «جبهه ملی» تلقی شود. کودتای بیست‌وهشتم مرداد ۱۳۳۲ سرانجام حزب ایران را نیز مانند سایر احزاب به انزوا و اختفا کشاند و هرچه پیش می‌رفت بر قدرت محمدرضاشاه و ضعف احزاب سیاسی افزوده می‌شد. اما از آنجا که این حزب از طیف نسبتاً وسیعی از مهندسان و تحصیل‌کردگان تشکیل شده بود که در بدنه نظام سیاسی مشاغلی را احراز کرده بودند، در عین بروز تحولات بزرگ در صحنه سیاست داخلی، همچنان مهمترین نیروی سیاسی بعد از مذهبیون به‌شمار می‌رفت. حزب ایران در واقعه پانزدهم خرداد به صحنه آمد و از امام خمینی(ره) طرفداری نمود و رویه انتقادی خود را نسبت به شاه و قانون اساسی کمابیش حفظ کرد تا اینکه شاپور بختیار (یکی از اعضای قدیمی حزب) در واپسین روزهای عمر رژیم پیشنهاد نخست‌وزیری را از سوی شاه پذیرفت و با این کار او حزب ایران به کلی متلاشی شد و حتی اخراج او از حزب نیز دیگر به حال آن افاقه نکرد. پس از آن، قدرت بلامنازع سیاسی در جبهه مخالفان رژیم به‌طور یکجانبه به نیروهای مذهبی تعلق گرفت و همه احزاب دیگر در حاشیه قرار گرفتند.

روند تشکیل حزب ایران

حزب ایران نیز همچون بسیاری از احزاب دیگر، مولود فضای خاص سیاسی پس از سقوط رضاشاه بود. در این دوره برخی از سیاستمداران به غرب و برخی نیز به شرق چشم امید داشتند. برخی نیز به‌زعم خود مدعی استقلال رای و عمل بوده و

با سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ به یک‌باره هیمنه و هیبت دیکتاتوری پهلوی فرو ریخت و جو اختناق و خفقان به‌گونه‌ای شکست که صدای آن فرعی‌ترین شاخه‌ها و گرایشهای سیاسی را به تکاپو و جنب‌وجوش انداخت. شاه جوان، هم به خاطر سقوط و تبعید تحقیرآمیز پدرش و هم به خاطر بی‌تجربگی‌هایش با گام‌هایی سست و لرزان از تخت سلطنت بالا رفت که تاج پادشاهی ایران را بر سر نهد؛ درحالی‌که هنوز از رفتار بی‌شرمانه استعمار با پدر مخلوعش مغموم و اندیشناک بود. شاید او در آن لحظه با خود چنین می‌گفت: اگر پدرم با آن همه قدر قدرتی و قوی شوکتی، نتوانست از عهده تعهداتش نسبت به ولی‌نعمتان خود برآید آیا من خواهم توانست؟ این اوضاع و احوال به‌همراه شرایط بین‌المللی و حضور قدرتهای اشغالگر بیگانه در ایران، شاه جوان را در ضعیف‌ترین حالت ممکن قرار می‌داد و عملاً خود را مترسکی بر سر خرمن ایران می‌دید. اما به برکت این اوضاع در این دوره احزاب در ایران پرورش یافته و توسعه پیدا کردند؛ چنان‌که سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ را می‌توان دهه طلایی احزاب در ایران دانست. احزاب چپ‌گرای متمایل به سوسیالیسم، احزاب لیبرال دموکرات، احزاب ناسیونالیست و احزاب و گروههای مذهبی با تعدد و گستردگی بی‌سابقه‌ای تاسیس و مشغول فعالیت شدند و هر کدام به راه و روشی و با مایه و بهانه‌ای خاص خود، امور سیاست داخلی و خارجی را سرلوحه فعالیت‌های خویش ساختند. از جمله این احزاب یکی هم حزب ایران بود که حسین مکی، رسول مهربان، زیرک‌زاده، جزایری، فریور، خواجه نوری، محسن نصر و... از بنیانگذاران اصلی آن بودند. اینان در حقیقت تحصیل‌کردان غرب بودند که با ایده‌های تکنوکراتیک در صدد بودند طرحی نو برای سازوکار اداره جامعه فلاکت‌زده ایران دراندازند و اهداف ملی‌مبته‌ی بر رشد و توسعه اقتصادی و ارتقاء سطح فرهنگی جامعه را مهمترین برنامه‌های خود عنوان می‌کردند.

حزب ایران فرازونشیبهای بسیاری را پشت سر گذراند و دوستیها و دشمنیهای زیادی در کارنامه خویش ثبت کرد که برخی مانند ادغام شدن با حزب میهن موجب تقویت و گسترش آن شد و برخی اقدامات مانند ائتلاف با حزب توده باعث



غلامعلی فریور

حزب ایران دارای گرایشهای مذهبی نبود ولی ورود غیرمسلمانان به حزب ممنوع بود.^{۱۱} به هر صورت، از مرانامه حزب هم چنین برمی آید که هدف حزب ایران انجام اصلاحات و اقداماتی در قالب رژیم سلطنتی بوده است.

الحاق حزب میهن به حزب ایران

از جمله احزابی که پس از شهریور ماه سال ۱۳۲۰ ش شکل گرفتند می توان به حزب پیکار، حزب استقلال و حزب میهن پرستان اشاره کرد. در خرداد ماه ۱۳۲۳ ش سه حزب فوق به اضافه تعدادی دیگر از عناصر تحصیل کرده، گردهم آمده و حزب میهن را تشکیل دادند. اما به دلیل ناکارآمدی و نیز عدم همگرایی گروههای تشکیل دهنده، اعضای حزب پیکار و حزب استقلال از آن جدا شدند و بدین ترتیب، در سال ۱۳۲۴ ش به تدریج علائم فروپاشی حزب

نخستین مرانامه حزب ایران در سال ۱۳۲۴ منتشر شد. حزب ایران دارای گرایشهای مذهبی نبود ولی ورود غیرمسلمانان به حزب ممنوع بود به هر صورت، از مرانامه حزب هم چنین برمی آید که هدف حزب ایران انجام اصلاحات و اقداماتی در قالب رژیم سلطنتی بوده است

میهن نمودار شد. جداسدن بسیاری از هواداران و سازمانهای شهرستانها از حزب و پیوستن آنان به گروهها و احزاب دیگر، از جمله به حزب توده، به منزله هشدار جدی برای وقوع فروپاشی کامل بود که در چنین وضعیتی حزب میهن به حزب ایران ملحق گردید.^{۱۲} الحاق حزب میهن به حزب ایران باعث شد که نفوذ و قدرت حزب ایران افزایش یابد؛ چنان که کریم سنجایی که خود از سران حزب میهن بوده و رسول مهربان و زیرک زاده از سران حزب ایران نیز به این امر اذعان دارند.^{۱۳} زیرک زاده می گوید حزب میهن برخلاف حزب ایران حتی شعباتی نیز در شهرستانها داشت^{۱۴} که این نشان می دهد گرچه حزب میهن در بدترین وضعیت خود به حزب ایران ملحق شد، اما بازهم از جهاتی از حزب ایران جلوتر بوده است.

ائتلاف با حزب توده

یکی از مهمترین حوادث تاریخ حزب ایران، ائتلاف این حزب با حزب توده بود. این ائتلاف که در تیرماه سال ۱۳۲۵ ش با رای اکثریت اعضای کمیته مرکزی حزب ایران به تصویب رسید، کشمکشهای فراوان درون حزبی و نیز نتایج و پی آمدهای منفی و زیان باری را برای حزب در پی داشت.^{۱۴} گرچه حزب توده دارای انسجام و سازمان درونی بسیار مناسبی در جامعه آن روز ایران بود، ولی به علت گرایشهای مارکسیستی و وقوع حوادث آذربایجان و کردستان در آن روزها و اشغال بخشی از ایران توسط شوروی از جایگاه مناسبی برخوردار

حسین مکی از سی نفر به عنوان اعضای موسس حزب ایران نام می برد که از جمله می توان به دکتر شمس الدین جزایری، مهندس غلامعلی فریور، مهندس احمد زیرک زاده، مهندس ناصر معتمد، مهندس کاظم حسینی، مرتضی مصور رحمانی، دکتر عبدالله معظمی، دکتر محسن نصر، محسن خواجهنوری، مهندس گزیده پور و خود حسین مکی اشاره کرد.^{۱۵} برخی معتقدند که حزب ایران که دارای تمایلات لیبرالی و سوسیال دموکراتیک بود، به علت مخالفت با دیکتاتوری و سلطه بیگانه و فساد دستگاه اداری، عده قابل توجهی از ملیون و حتی افراد مذهبی را به خود جذب کرد. اما حزب در واقع از خصلت یک تشکل توده ای و مردمی به دور بود^{۱۶} و به همین خاطر هم جز در میان تحصیل کردگان و افراد اداری نتوانست پایگاه مردمی قابل توجهی داشته باشد و لذا سران حزب بیشتر به فکر نفوذ در ارکان دولت و به دست گرفتن مقامات اداری، البته بیشتر به قصد اصلاح امور، بودند که در این امر مهم موفقیت چندانی نداشتند.

نخستین مرانامه حزب ایران در سال ۱۳۲۴ ش منتشر شد که اصول کلی آن را چنین می توان برشمرد:^{۱۷}

۱. از لحاظ سیاسی: حفظ استقلال کامل کشور و پشتیبانی از اصول دموکراسی
۲. از لحاظ اقتصادی: استقرار عدالت اجتماعی و کوشش در بهبود وضع مادی ملت از راه توجه به کشاورزی و صنعت و بهره برداری از تمامی ثروت مملکت
۳. از لحاظ اجتماعی: تهذیب اخلاق و تعمیم فرهنگ و تامین بهداشت عمومی

نمود و لذا بسیاری از صاحب نظران و سیاستمداران و برخی از اعضای حزب ایران این ائتلاف را یک اشتباه بزرگ تلقی کردند.

این ائتلاف در شرایطی صورت گرفت که دولت تصمیم گرفته بود قوای شوروی را از کشور بیرون کند و به غائله آذربایجان خاتمه دهد. کریم سنجایی می نویسد: «قوم السلطنه به ما گفت، چرا شما با اینها نزدیکی نمی کنید؟ شما با توده ای ها و با پیشه وری گرم بگیرید و آنها را نصیحت کنید. در همین زمان بود که ائتلاف بین حزب ایران و حزب توده صورت گرفت. این ائتلاف در واقع زمینه ای برای پیشرفت همان نظر یعنی سیاست دولت وقت قوام السلطنه و برای کاری بود که نتیجه نهایی اش تخلیه قوای روس از ایران باشد.»^{۱۵} اما زیرک زاده علل ائتلاف را اشغال ایران به دست بیگانگان و گرایش زیاد به انگلستان از جانب سیاستمداران ایرانی می داند. به نظر وی عدم توجه به شوروی و سیاست یک جانبه ایران که متضمن جانبداری از همسایه جنوبی بود، ایران را در موقعیت خطرناکی قرار داده بود که عواقب نامطلوبی برای ایران در پی داشت و ممکن بود موجب بهانه دادن به همسایه شمالی شده و عکس العمل نامطلوب آن ها را به دنبال داشته باشد.^{۱۶} شاپور بختیار که در سال ۱۳۲۸ ش و پس از الغای ائتلاف به حزب ایران پیوست، از ائتلاف به عنوان یک جریان غم انگیز یاد می کند که به تحریک غلامعلی فریور و به علت ضعف و ناآگاهی کریم سنجایی و اللهیار صالح صورت گرفت. او معتقد است که این ائتلاف لطمه بزرگی به حزب ایران زد و شعار ملی گرایی آن را تضعیف ساخت و می گوید که در خصوص علل وقوع این ائتلاف نباید نفوذ برخی از رهبران حزب ایران را نادیده گرفت که به سیاستهای حزب توده متمایل بودند و در واقع جناح چپ حزب ایران را تشکیل می دادند. علاوه بر این، ممکن است این ائتلاف به منظور به دست آوردن برخی مقامات سیاسی در دولت قوام نیز بوده باشد^{۱۷} کماینکه در کابینه ائتلافی قوام، حزب توده و حزب ایران صاحب چند پست وزارت شدند. به هر صورت، این ائتلاف به هر دلیل که بود، محصول یک تصادف یا یک اشتباه ساده سیاسی نبوده است.

زیرک زاده که خود از مخالفان ائتلاف بود، می گوید: «گرچه ائتلاف اصلا به معنای الحاق ما به حزب توده نبود ولی در مردم ایران که به امور حزبی آشنایی نداشتند سوء تفاهم ایجاد کرد و آنان این اقدام ما را یک نوع شکستن عهد تلقی کردند؛ چراکه یکی از پایه های اصلی حزب ایران دوری از سیاستهای روس و انگلیس بود. این سوء تفاهم بسیاری از قوای ما را صرف کرد و

موضع‌گیری در مقابل هیات حاکمه و نیز روابط درون‌حزبی بود. منشعبان حزب ایران، «جمعیت آزادی مردم ایران» را تشکیل دادند. این مسأله باعث شد بخش عمده‌ای از توان حزب تحلیل برود؛ چنان‌که پس از آن، تنها فعالیت مهم حزب حمایت از دولت مصدق و پاسخگویی به انتقاد گروه‌های مختلف بود.^{۲۰} فعالیت حزب ایران در کابینه مصدق و مجلس تا زمان وقوع کودتای بیست‌وهشتم مرداد ۱۳۳۲. ش همچنان ادامه داشت اما پس از کودتا تمامی احزاب و مطبوعات از جمله حزب ایران دچار محدودیت یا ممنوعیت فعالیت گردیدند و رهبران حزب ایران نیز همچون دیگر رهبران احزاب طرفدار مصدق تحت تعقیب قرار گرفتند و بسیاری از آنان بازداشت و سپس بسیاری دیگر نیز از مشاغل دولتی برکنار گردیدند. برخی از اعضای حزب ایران بعدها در نهضت مقاومت ملی به فعالیت خود ادامه دادند و به‌این ترتیب، دوره جدیدی از تاریخ این حزب شروع شد که تا تشکیل جبهه ملی دوم در سال ۱۳۳۹. ش کم‌وبیش ادامه داشت.

از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹. ش و حتی پس از آن، سران حزب ایران جلسات خود را در منزل برخی از اعضای حزب برگزار می‌کردند و همچنان در نهضت مقاومت ملی نیز کم‌وبیش فعالیت می‌نمودند. حزب ایران بر این باور بود که چون دولت کودتا مستقر شده مخالفان باید آن را به‌عنوان یک واقعیت بپذیرند و به‌صورت اپوزیسیون عمل نمایند اما جناح رادیکال نهضت مقاومت ملی دولت کودتا را غیرمشروع و

حزب ایران در شهرستانها فعالیت بیشتری از خود نشان داده‌اند و اقدامات و تحریکهای آنان باعث ایجاد مشکلات و دردرسهایی برای ارگانهای حکومتی گردیده است.^{۲۵}

خدمات مهندسان و اعضای مرکزی حزب ایران در رابطه با مشخص کردن ضرر و زیان فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس و نیز قراردادهای پیشنهادی نفتی که در فاصله سالهای ۱۳۲۹-۱۳۲۶. ش به دولت ارائه شد، گام مهم و کمک ارزنده‌ای در راه اعتلای نهضت ملی شدن نفت ایران بود.^{۲۶} حتی زیرک‌زاده در خاطرات خود ادعا می‌کند: «شعار ملی کردن صنعت نفت توسط حزب ایران مطرح گردید...»^{۲۷} و در ادامه، اقدامات حزب ایران جهت تحقق این شعار را چنین برمی‌شمارد:^{۲۸}

۱. تهیه مطالب مبنی بر مخدوش بودن قرارداد الحاقی و افشای تعدیات شرکت سابق و قرائت این مطالب توسط حسین مکی در مجلس شانزدهم
۲. انتشار نشریه‌هایی درباره ملی کردن صنعت نفت
۳. اعلام شعار ملی کردن صنعت نفت در سراسر ایران
۴. ایراد سخنرانیهای متعدد و انتشار مقالات مفید و موثر راجع به نفت در روزنامه‌های ارگان حزب
۵. تلاشهای الهیار صالح در مجلس شانزدهم.

حزب ایران و جبهه ملی

در سال ۱۳۲۸. ش در پی اعتراض به انتخابات تابستانی مجلس شانزدهم و در نتیجه اعلام ابطال آن از سوی حکومت، چند حزب سیاسی که احزاب عمده و اساسی آن زمان محسوب می‌شدند، تصمیم به

یکی از مهمترین حوادث تاریخ حزب ایران، ائتلاف با حزب توده بود این اقدام که در تیرماه سال ۱۳۲۵ با رای اکثریت اعضای کمیته مرکزی حزب ایران به تصویب رسید، کشمکشهای فراوان درون‌حزبی و نیز نتایج و پی‌آمدهای منفی و زیان‌باری را برای حزب در پی داشت

تشکیل جبهه‌ای واحد و متمرکز گرفتند و این امر منجر به تشکیل جبهه ملی گردید. پس از تشکیل جبهه ملی، فعالیت‌های حزب ایران در قالب این جبهه صورت گرفت. در واقع ستون اصلی جبهه ملی را حزب ایران تشکیل می‌داد. از مهمترین اقدامات حزب ایران ادامه تلاش جهت ملی کردن صنعت نفت بود. در این دوره تلاش حزب ایران با توجه به نفوذی که در کابینه مصدق داشتند، مضاعف گردید. در کابینه مصدق، حزب ایران همیشه یک یا دو وزیر و تعداد دیگری عضو در رده‌های پایین‌تر داشت.^{۲۹}

در سال ۱۳۳۱. ش که اوج فعالیت‌های حزب ایران بود، اختلافات درون‌حزبی میان تعدادی از مقامات رده دوم با مقامات درجه اول حزب از جمله میان کریم سنجابی و احمد زیرک‌زاده شدت گرفت. علت اصلی اختلاف که در نهایت به یک انشعاب منتهی شد، نحوه

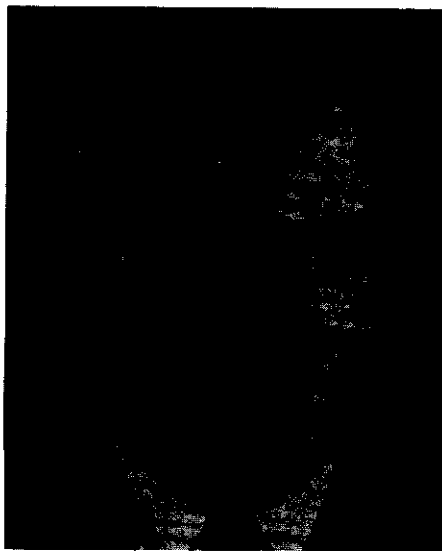
عاقبت برطرف هم نگردید.^{۳۰}

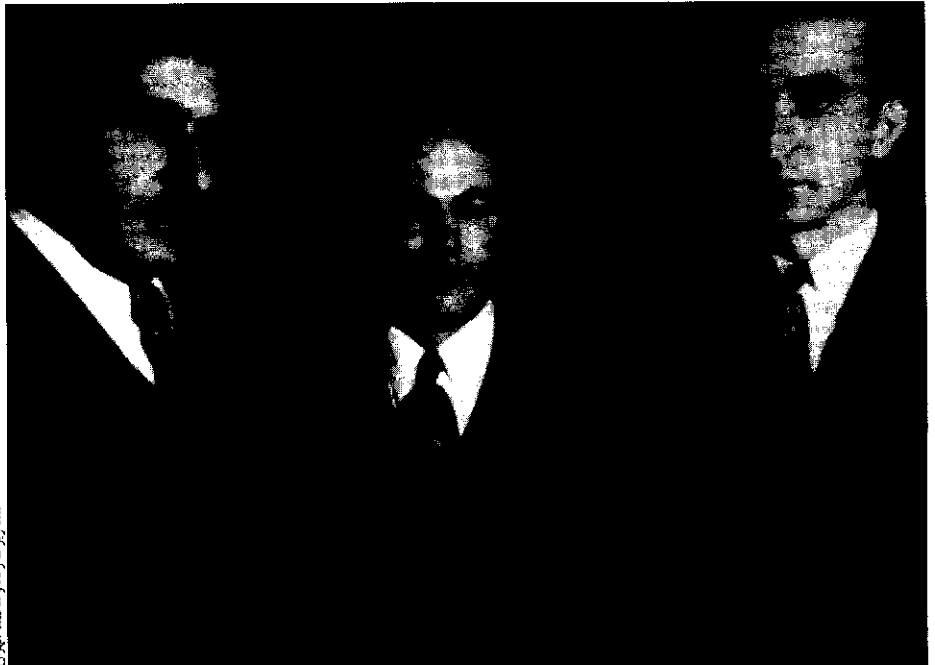
اما مهمترین پی‌آمدهای این ائتلاف برای حزب ایران را چنین می‌توان برشمرد:

۱. حزب توده از ناآگاهی مردم درباره مفهوم ائتلاف و الحاق، به‌خصوص در شهرستانها، سوءاستفاده کرد؛ چنان‌که فردای ائتلاف در برخی شهرستانها مردم تابلوهای حزب ایران را برچیدند.^{۳۱}
 ۲. یکی از موارد ائتلاف، به رسمیت شناختن شورای متحده کارگران منتسب به حزب توده بود. این حزب یگانه نماینده و متشکل‌کننده کارگران شناخته می‌شد. به‌این ترتیب حزب ایران هم کارگران را از دست داد و هم حق داشتن تشکیلات کارگری را از خود سلب کرد.^{۳۲}
 ۳. به پایگاه حزب ایران در میان سیاستمداران، روشنفکران و به‌طور کلی در اذهان عمومی جامعه لطمه جدی وارد آمد. این ائتلاف حیثیت سیاسی حزب ایران را به شدت لکه‌دار ساخت و سخنان و تلاشهای سران و اعضای حزب ایران نتوانست عواقب زیان‌بار آن را کاهش دهد.
 ۴. در پی این ائتلاف، در دیدگاه حزب ایران در خصوص آذربایجان و فرقه دموکرات تحول اساسی به‌وجود آمد. به این معنی که سران حزب ایران شروع به طرفداری از اقدامات این فرقه نموده و آنان را نمونه و سرمشق وطن‌پرستی و دلاوری خواندند.^{۳۳}
 ۵. در میان خود اعضای حزب ایران اختلاف ایجاد شد و همچنین حزب و مسئولان مجبور شدند میزان زیادی از وقت و تلاش خود را وقف جواب‌گویی و توجیه اقدام انجام شده و استدلال در خصوص حسن نیت بانیان این امر صرف کنند.^{۳۴}
 ۶. اخراج بعضی از اعضای حزب ایران و کناره‌گیری برخی دیگر نیز از پی‌آمدهای این ائتلاف بود. از جمله افرادی که اخراج شدند می‌توان به شمس‌الدین جزایری، ارسلان خلعتبری، علیرضا صاحب، فرج‌الله باغی، جعفر شهیدی، شریف‌امامی و... اشاره کرد.^{۳۵}
- به‌هر صورت، نتایج زیان‌بار این ائتلاف و عدم توانایی سران حزب در توجیه این اقدام و یا به قول زیرک‌زاده مرتفع شدن عوامل اتحاد، موجب لغای ائتلاف در یازدهم دی‌ماه ۱۳۲۵. ش گردید.^{۳۶}

حزب ایران و ملی‌شدن صنعت نفت

پس از پایان غائله آذربایجان، حزب ایران از تمام توان خود در مجلس و دولت برای انجام اقداماتی، چه در داخل و چه در صحنه‌های بین‌المللی، جهت ملی کردن صنعت نفت بهره گرفت. می‌توان گفت حزب ایران در این زمینه نقش خود را به‌خوبی ایفا نمود. از گزارشهای سازمانهای مختلف، به‌خصوص شهرستانی، چنین برمی‌آید که در این دوره شاخه‌های





احمد نیریز کزانه و محمد بهران

بدون شک سران حزب ایران به نقش امریکا به عنوان طراح و حامی اصلی کودتای بیست و هشتم مرداد واقف بودند و هنوز بیشتر از سه سال از آن واقعه نگذشته بود که آنها حمایت خود را از دکترین آیزنهاور اعلام کردند و لذا، این اقدام و رویکرد حزب ایران را یا باید به قول خودشان ناشی از واقع بینی آنها دانست و یا باید گفت که آنان دیگر قادر به مبارزه اصولی و مستقل نبودند

(دکترین آیزنهاور) آن را «موافق با احترام به حقوق بشر و آزادی افراد و استقلال ملل در اداره امور خود و تقویت وطن پرستی و تقوا تشخیص داده» و به آن «خوشبین است و از جنبه واقع بینی، آن را با اصول سیاست داخلی خود» منطبق می‌داند.^{۲۲}

پس از تاسیس ساواک در سال ۱۳۳۵، ش تسلط رژیم بر امور سیاسی و امنیتی بیشتر شد و نتیجه این امر کنترل و یا سرکوب بیشتر احزاب، مطبوعات، نهضت‌ها و حرکت‌های ملی بود. در راستای این امر، حزب ایران در سال ۱۳۳۶، ش به این بهانه که ده سال پیش با جنبش کمونیستی (حزب توده) ائتلاف کرده، منحل گردید.^{۲۴} به این ترتیب، مرحله دیگری از فعالیت سیاسی حزب به پایان رسید و حمایت از دولت کودتا و گرایش به امریکا نیز نتوانست آن را نجات دهد. در فاصله سالهای ۱۳۳۶، ش (سال انحلال حزب) تا ۱۳۳۹، ش (تاسیس جبهه ملی دوم و احیای مجدد حزب ایران) اعضا و سران حزب به صورت مخفیانه و بسیار محدود با یکدیگر در ارتباط بودند و فرصتی می‌جستند تا بار دیگر فعالیت خود را از سرگیرند.

چند سال پس از کودتا، هم رژیم شاه و هم عوامل خارجی طرفدار آن، متوجه گردیدند که سیاست‌های

غیرقانونی می‌دانست و سرانجام این اختلاف باعث جدایی حزب ایران از نهضت مقاومت ملی شد. علاوه بر این اختلافات، خشونت رژیم نیز مزید بر علت گردید و نهضت مقاومت سرانجام تصمیم گرفت که فعالیت‌های خود را متوقف سازد.^{۲۱}

آنچه با نظر به وضعیت ایران در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد شایان ذکر است، گرایشی بود که حزب ایران به امریکا پیدا کرد. از قرار معلوم، مهمترین پشتیبان و طراح این رویکرد الهیار صالح بود و تجلی عملی آن در اعلام حمایت این حزب از بیانیه معروف آیزنهاور بروز یافت.^{۲۲}

بدون شک سران حزب ایران به نقش امریکا به عنوان طراح و حامی اصلی کودتای بیست و هشتم مرداد واقف بودند و هنوز بیشتر از سه سال از آن واقعه نگذشته بود که آنها حمایت خود را از دکترین آیزنهاور اعلام کردند. لذا، این اقدام و رویکرد حزب ایران را یا باید به قول خودشان ناشی از واقع بینی آنها دانست و یا باید گفت که آنان دیگر قادر به مبارزه اصولی و مستقل نبودند.

به هر حال، حزب ایران در بیانیه خود اعلام کرد که پس از مطالعه دقیق بیانات رئیس‌جمهور امریکا

پس از کودتا و سرکوب احزاب و مطبوعات و ایجاد محدودیتهای فردی و غیر آن، به نارضایتی در میان مردم دامن زده و این امر ممکن است به وقوع آشوب و بلوا در کشور منجر گردد، لذا برنامه‌هایی را جهت اجرای اصلاحات در نظر گرفتند که از جمله می‌توان به اصلاح قانون انتخابات، اصلاحات ارضی، تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و نیز تشکیل دو حزب ملیون و حزب مردم اشاره کرد. در همین زمان بود که جبهه ملی و برخی احزاب دیگر از فضای موجود استفاده کرده و به تجدید حیات سیاسی خود دست زدند^{۲۵} و در تاریخ ۱۳۳۹/۴/۳۰ که مصادف با سالروز قیام سی‌ام تیر بود، اعلامیه تشکیل جبهه ملی دوم منتشر شد همزمان با این، بزرگان و چندتن دیگر نیز نهضت آزادی را تشکیل دادند و به جبهه ملی پیوستند.^{۲۶}

جبهه ملی با اقدام به برگزاری میتینگ‌ها، جلسات سخنرانی، تحصن و تظاهرات و... خواستار برقراری حکومت مشروطه سلطنتی، برگزاری انتخابات آزاد و نیز ترویج آزادیهای سیاسی و مدنی شد و به تبع فعالیت‌هایی که صورت گرفت، این بار نیز بسیاری از افراد آن بارها به زندان افتادند و سرانجام یک بار دیگر در سال ۱۳۴۲، ش فعالیت‌های جبهه ملی متوقف گردید.^{۲۷} همچنین حکومت پهلوی، دولت امینی را از کار برکنار کرد و با این اقدامات خود، نشان داد که رژیم حتی در حد محدود نیز به اصلاحات واقعی رضایت نمی‌دهد. آشکار شدن این واقعیت درباره ظرفیت تحمل رژیم، باعث شد که این بار پس از فروپاشی، اعضای جبهه ملی، از جمله حزب ایران، به فعالیت‌های مخفیانه روی آوردند.^{۲۸}

حزب ایران از ۱۳۴۲، ش تا پیروزی انقلاب اسلامی

در مورد عملکرد حزب ایران در این دوره اطلاعات چندانی در دست نیست، اعضا و سران حزب در این دوره نیز همچون ادوار گذشته به صورت مخفیانه جلسه‌هایی را برگزار می‌کردند و به بحث‌های متفرقه در مورد مسائل مختلف داخلی و خارجی می‌پرداختند. یکی از مهمترین حوادثی که حزب ایران و به طور کلی جبهه ملی را در این مقطع به واکنش واداشت، واقعه قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، ش بود. جبهه ملی که حزب ایران یکی از ارکان اصلی آن بود، سعی کرد با طرفداری از امام خمینی (ره) هم رژیم را تحت فشار قرار دهد و هم به روحانیت نزدیک شده و از نفوذ آن که اکنون به یک عنصر اساسی در صحنه مبارزات سیاسی تبدیل شده بود، استفاده کند. گزارشها حاکی از آن است که اعضا و افراد وابسته به جبهه ملی در تظاهرات مربوط به این واقعه، شرکت داشتند. باین حال، اختلافات میان طرفداران امام خمینی (ره) و طرفداران جبهه ملی

۹. اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۲۰، ۱۳۳۰، ش) به کوشش بهروز طبرانی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶، جلد اول، ص ۱۸۵، ۱۸۴.
۱۰. پروانده آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، چاپ ششم ۱۳۸۰، ص ۲۱۲.
۱۱. مسعود کوهستانی نژاد، پیشین، ص ۹۰-۹۱.
۱۲. کریم سنجابی، امیدها و ناامیدی‌ها، لندن: انتشارات جبهه ملیون ایران، ۱۳۶۸، ص ۷۲. رسول مهریان، پیشین، قسمت اول، ص ۱۵ و احمد زیرک‌زاده، پیشین، ص ۹۱.
۱۳. صالح، پیشین، ص ۱۴۳ و احمد زیرک‌زاده، پیشین، ص ۹۲، ۹۳.
۱۴. کریم سنجابی، پیشین، ص ۷۵.
۱۵. زیرک‌زاده، پیشین، ص ۴۸۹-۴۸۸.
۱۶. شاپور بختیار، خاطرات به کوشش حبیب لاجوردی، زیبا، ۱۳۸۰، ص ۲۶-۲۷.
۱۷. کیوان لؤلؤیی، پیشین، ص ۳۳۵-۳۳۴.
۱۸. احمد زیرک‌زاده، پیشین، ص ۹۴-۹۳.
۱۹. همان، صفحه ۱۰۴-۱۰۳.
۲۰. همانجا.
۲۱. روزنامه جبهه، ش ۲۳۳، ۱۳۲۵/۶/۷، صفحه ۱ و ۲.
۲۲. اللهیار صالح، پیشین، ص ۱۴۸.
۲۳. کوهستانی نژاد، پیشین، ص ۱۵ (یاورقی) و رسول مهریان، پیشین، قسمت اول، ص ۳۴-۳۳.
۲۴. زیرک‌زاده، پیشین، ص ۴۸۷.
۲۵. بهرامی، روح‌الله، اسنادی از احزاب سیاسی در ایران (حزب ایران، حزب سعادت ملی ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۴-۱۶ و آرشو سازمان اسناد ملی ایران اسناد شماره‌های ...).
۲۶. کوهستانی نژاد، پیشین، ص ۱۹-۱۸.
۲۷. زیرک‌زاده، پیشین، ص ۵۰.
۲۸. همان، ص ۵۰۲.
۲۹. کیوان لؤلؤیی، پیشین، ص ۳۳۵-۳۳۴ و پروانده آبراهامیان، پیشین، ص ۳۴۵-۳۴۴.
۳۰. کوهستانی نژاد، پیشین، ص ۲۲-۲۱ و ۲۹۷-۲۹۶.
۳۱. اصغر صارمی شهاب، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۰-۳۹.
۳۲. صالح، پیشین، ص ۱۶۴.
۳۳. همان، ۱۶۶-۱۶۵.
۳۴. آبراهامیان، پیشین، ص ۵۱۵ و زیرک‌زاده، پیشین، ص ۴۸۱؛ هم‌چنین رجوع شود به آرشو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۶۰، ص ۱۳۴.
۳۵. سنجابی، پیشین، ص ۲۰۳-۲۰۱ و رسول مهریان، پیشین، قسمت دوم، ص ۵۰.
۳۶. رسول مهریان، همان، ص ۵۰. برای توضیح بیشتر رجوع شود به آرشو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۶۰، ص ۲۷ و ۳۸.
۳۷. سنجابی، پیشین، ص ۲۲۰ به بعد.
۳۸. آرشو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۶۰، ص ۶.
۳۹. همان، ۱۱۵، صص ۶۴، ۶۵ و ۶۶.
۴۰. همان، ۱۶۰، ص ۹۹.
۴۱. همان، ۱۶۱، ص ۴۲.
۴۲. همان، ۱۶۰، صص ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۱۷، ۱۲۸ و ۱۱۴.
۴۳. همان، ۱۶۱، صص ۱۴، ۱۳ و شماره بازیابی ۱۶۰، صص ۱۹۵-۱۹۴ و ۳۳ و ۴۶.
۴۴. همان، ۳۰۸، صص ۷۱-۷۰ و ۱۱۵ و ۱۲۰ و ۱۲۱.
۴۵. همان، ۳۱۱، صص ۶۹-۶۰.
۴۶. همان، ۱۶۱، صص ۱۹۴-۱۹۵.
۴۷. همان، ۳۲۰، صص ۲-۱ و کد ۱۶۵/۵، صص ۱۳۱ و ۱۳۲ و شماره بازیابی صص ۲۶-۲۴.
۴۸. رسول مهریان، پیشین، قسمت دوم، ص ۱۰۴-۱۰۳.
۴۹. سنجابی، پیشین، ص ۳۰۸.
۵۰. رسول مهریان، پیشین، قسمت دوم، ص ۱۰۵.

بودند. جبهه ملی از فرصت به‌دست آمده بر اثر شهادت حاج آقا مصطفی خمینی نیز استفاده کرد تا هرچه بیشتر خود را به روحانیون نزدیک کند اما در این میان یک نقطه تعارض لاینحل وجود داشت و آن، این بود که جبهه ملی معتقد بود که باید در چارچوب همان قانون اساسی رژیم پهلوی فعالیت کرد اما روحانیون که در رأس آنها امام خمینی (ره) قرار داشت خواهان براندازی رژیم بودند.^{۴۷}

حزب ایران در سال ۱۳۵۷، ش نیز فروغ چندانی نداشت. در این سال حزب ایران کنگره‌ای تشکیل داد که شاپور بختیار آن را افتتاح کرد. اختلاف بین شاپور بختیار با کریم سنجابی و اللهیار صالح باعث گردید که حزب نتواند خط مشی سیاسی مشخص اتخاذ کند و البته موفقیت‌های حضرت امام خمینی (ره) نیز به حدی چشمگیر بود که اجازه نمی‌داد احزابی چون حزب ایران در عمل کارکرد چندانی داشته باشند.^{۴۸}

شاه در آستانه فرار از ایران، به کریم سنجابی پیشنهاد کرد که با قبول سمت نخست‌وزیری برای آرام کردن اوضاع اقدام کند که سنجابی به دلایلی از انجام و پذیرش این کار سر باز زد.^{۴۹} اما بختیار در قبال همین درخواست شاه واکنش مثبت نشان داد که این امر با مخالفت دیگر اعضای حزب ایران روبرو گردید و سرانجام شاپور بختیار از عضویت در حزب ایران استعفا کرد.^{۵۰}

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از سران حزب ایران به خارج از کشور رفتند و برخی نیز از سیاست دست کشیدند. حزب ایران با واکنش منفی که در قبال قانون اساسی جدید از خود نشان داد عملاً از پذیرش حکومت اسلامی سر باز زد و البته انقلابیون و اعضای حکومت اسلامی نوا نیز به آنان اعتماد نداشتند. به این ترتیب، باید گفت که با پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاه، حیات سیاسی حزب ایران عملاً پایان یافت. ■

پی‌نوشت‌ها

۱. اللهیار صالح، خاطرات، به کوشش خسرو سعیدی، تهران، ص ۱۴۱.
۲. مسعود کوهستانی نژاد، حزب ایران مجموعه از اسناد و بیاتیه‌ها (۱۳۲۲، ۱۳۳۲، ش) تهران، شماره ۱۳۷۹، ص ۳.
۳. همان، ص ۵.
۴. احمد زیرک‌زاده، خاطرات به کوشش دکتر ابوالحسن ضیاء ظریفی و دکتر خسرو سعیدی، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۶، ص ۷۰.
۵. رسول مهریان، بررسی مختصر احزاب بورژوازی لیبرال در مقابله با جنبش کارگری و انقلابی در ایران، تهران: پیک ایران، ۱۳۵۹، قسمت اول، ص ۱۴.
۶. اللهیار صالح، پیشین، ص ۱۴۱.
۷. حسین مکی، خاطرات سیاسی، تهران: علمی، ۱۳۶۸، ص ۱۹.
۸. کیوان لؤلؤیی، درآمدی بر تحزب در دهه بیست، فصلی متفاوت در حزب‌گرایی تاریخ معاصر ایران، ویژه‌نامه یاد، نشر بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، سال چهاردهم، ۱۳۷۸، ص ۳۳۴.

کاملاً آشکار بود و حتی در حین تظاهرات نیز گاه درگیری‌های لفظی بین این دو دسته روی می‌داد.^{۳۹} در درون خود جبهه ملی نیز اختلاف و چنددستگی وجود داشت.^{۴۰} فشار رژیم نیز مزید بر این دو گردید و باعث شد که کارایی جبهه ملی بیش از پیش کاهش یابد. در سال ۱۳۴۲، ش بسیاری از اعضای حزب ایران که در اداره‌های مختلف مشغول به کار بودند، اخراج گردیدند.^{۴۱}

یکی از مسائلی که حزب ایران و جبهه ملی را به چالش کشیده و در موضع انفعالی قرار داد، تصویب لوایح شش‌گانه بود. گرچه حزب ایران، تصویب این لوایح و به اصطلاح انقلاب سفید را مورد تایید قرار داد، ولی مسئولان سیاسی و امنیتی رژیم با دیده تردید به این موضع نگریسته و آن را ترفندی از جانب سران حزب ایران جهت نزدیکی به دستگاه و دربار و کسب مقامات دولتی تلقی کردند.^{۴۲}

در همین زمان تلاش‌هایی برای احیای مجدد جبهه ملی و تشکیل جبهه ملی سوم صورت گرفت که با شکست مواجه گردید. از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۰، ش جز برگزاری جلسه‌های اعضا برای صرف ناهار یا شام که ضمن آن بحث‌های پراکنده‌ای در مورد حوادث داخلی و خارجی نیز صورت می‌گرفت، فعالیت چشمگیر دیگری از حزب ایران و جبهه ملی دیده نشده است.^{۴۳}

از آغاز دهه پنجاه در خط مشی مبارزه جبهه ملی و حداقل برخی از جناح‌ها و یا احزاب وابسته به آن تغییر اساسی روی داد؛ به این معنا که این جبهه به رویکرد حمایت از سازمان‌های چریکی روی آورد و سعی کرد اعضای وابسته به خود را از نظر تئوری و عمل با فعالیت‌های مسلحانه آشنا سازد.^{۴۴} همچنین در این دوره جبهه ملی به رهبران مذهبی توجه و اقبال بیشتری نشان داد. تماس افراد جبهه ملی با نمایندگان امام خمینی (ره) نیز در همین راستا بود؛ که البته موفقیتی از این لحاظ کسب ننمود. از اواسط دهه پنجاه این جبهه با حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) فعالیت خود را علیه رژیم شدت بخشید.^{۴۵} سران جبهه به محض شروع فعالیت‌های جدید خود در ۱۳۵۶، ش نامه‌ای به شاه نوشته و در آن از اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور انتقاد کردند.^{۴۶}

هواداران جبهه ملی با این برآورد که در آن شرایط تنها تکیه‌گاه مردم در برابر رژیم پهلوی قشرهای مذهبی و روحانیون هستند، به سرعت کوشش‌های خود را برای تقویت پیوند با روحانیون آغاز کردند و در عین حال یک کانال ارتباطی با بازاریان تهران که هم روحانیون و هم خود جبهه ملی در میان آنان نفوذ داشتند برقرار نمودند. علاوه بر این، عده‌ای از دانشجویان نیز از آنها تاثیر پذیرفته